فصلنامه علمی ـ پژوهشی پژوهش‌نامهٔ تاریخ اسلام
سال ششم، شماره بیست و سوم، پاییز ۱۳۹۵
صفحات ۲۷ – ٤٧

عوامل اقتدار و مشروعیت حکومت علویان طبرستان

سید ابوالفضل رضوی[۱]
سعیده آذر[۲]

چکیده

اوضاع نابسامان و آشفته خلافت عباسیان در میانه سده سوم هجری، ستمگری و بی‌عدالتی عاملان عباسی در طبرستان و دوری مسافت طبرستان تا مرکز خلافت عباسی، بستر مناسبی جهت تشکیل حکومت محلی علویان فراهم ساخت. علویان طبرستان با داعیه تأسیس حکومت شیعی مستقل و نفی سیادت عباسیان، زمام حکومت را به دست گرفتند. با توجه به نقش مشروعیت در بقا و دوام هر حکومت و این که تحکیم پایه‌های هر نظام سیاسی و ثبات و پایداری آن بسته به میزان مشروعیت آن نظام است؛ این پژوهش با روش توصیفی–تحلیلی، از طریق تحلیل داده‌های تاریخی، عوامل اقتدار و مشروعیت علویان طبرستان را بررسی خواهد کرد. این پژوهش نشان می‌دهد که علویان طبرستان بر خلاف دیگر حکومت‌های هم زمان خود، مشروعیت خویش را از خلیفه عباسی دریافت نکردند بلکه با استناد به انتساب خود به پیامبر–صلی الله علیه و آله– و وجاهت مردمی و عدالت‌طلبی و با توسل به مذهب شیعه، پایه‌های اقتدار و مشروعیت خویش را استحکام بخشیدند و بیش از نیم‌قرن دوام آوردند.

واژگان کلیدی: بنی عباس، تشیع، علویان طبرستان، مشروعیت.

---

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی. Abolfazlrazavi@Khu.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه مذاهب اسلامی (نویسنده مسئول). saeedehasar@yahoo.com
دریافت: ۹۵/۰۸/۲۰؛ پذیرش: ۹۵/۱۱/۱۰

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2024-04-20]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.2.4]

مقدمه

حکومت محلی علویان طبرستان، در میان حکومت‌های نیمه‌مستقل معاصر خود، بویژه به لحاظ اعتقادی، متمایز و دارای ویژگی‌های منحصر به فرد بود. داعیان علوی در طبرستان از یک سو سیادت عباسیان را نفی و آنها را غاصب خلافت می‌دانستند و از سوی دیگر بر خلاف برخی از گروه‌های شیعی، قائل به تقیه نبودند و قیام مسلحانه (قیام بالسیف) امام را در برابر ظلم و بی‌عدالتی، واجب می‌دانستند. از این رو بر خلاف دیگر حکومت‌های هم زمان خویش، منشور حکومت را از خلیفه عباسی دریافت نکردند، بلکه به دعوت مردم، زمام حکومت را به دست گرفتند. به علاوه دستیابی به منصب و مقام داعی نه بر اساس وراثت بلکه بسته به کسب شایستگی‌های دینی و سیاسی بود. علویان طبرستان با سردادن شعارهای عدالت‌خواهانه و تکیه بر نیروی مردمی، در برابر ستمگری و انحراف خلفای عباسی ایستادند و با استفاده از بستر مناسب سیاسی، فرهنگی و اجتماعی طبرستان که نتیجه نفوذ سادات علوی مهاجر به این منطقه بود، نخستین حکومت مستقل شیعی را در سال ۲۵۰ هجری، ایجاد کردند. موقعیت جغرافیایی طبرستان و بافتار اجتماعی آن نیز در قدرت گیری و مشروعیت بخشی به علویان، سهم زیادی داشت. اهالی طبرستان به اقتضای موقعیت جغرافیایی سرزمین خویش، توانستند در برابر دشمنان مقاومت کنند و از موقعیت راهبردی طبرستان برای دستیابی به اهداف خود بهره گیرند. ازاین رو، در بررسی عوامل اقتدار و مشروعیت علویان طبرستان، علاوه بر عوامل سیاسی، اجتماعی، اعتقادی و فرهنگی، شناخت نقش عامل جغرافیا نیز ضروری است. در این مقاله با طرح این سؤال که مبنای مشروعیت علویان طبرستان چه بود و آنها مشروعیت حکومت خود را از کجا دریافت کردند؟ ضمن اشاره به زمینه‌های مشروعیت حکومت‌های محلی در عصر دوم عباسی، به عوامل و منابع متمایز مشروعیت بخشِ حکومت علویان طبرستان پرداخته خواهد شد. تبیین و تفسیر مطالب با رویکرد توصیفی- تحلیلی انجام شده و کوشش شده است، مطالب

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2024-04-20]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.2.4]

نظام‌مندی درباره این موضوع ارائه شود.

علاوه بر منابع متقدم چون *تاریخ طبرستان نوشته* ابن اسفندیار، *تاریخ رویان و مازندران* نوشته ظهیرالدین مرعشی و *تاریخ رویان* اثر اولیاء آملی که مطالب ارزشمندی در باره حکومت علویان طبرستان دارند، در پژوهش‌های جدید چون *علویان طبرستان* اثر ابوالفتح حکیمیان و *تاریخ ایران کمبریج* نیز به مطالعه و پژوهش درباره این حکومت، توجه شده است. با این حال در هیچ یک از این پژوهش‌ها به مسئله مشروعیت و مبانی اقتدار علویان طبرستان، توجه چندانی نشده است. *سلسله‌های اسلامی در ایران و مسئله مشروعیت* اثر علیرضا شجاعی زند نیز که به مسئله مشروعیت قدرت در ایران پرداخته است، به حکومت علویان طبرستان، اشاره‌ای ندارد.

مشروعیت حکومت و جایگاه آن در اسلام

مشروعیت،[1] زیربنا و دوام بخش همه حاکمیت‌ها است. تعاریف گوناگونی از سوی فیلسوفان، نظریه‌پردازان علوم سیاسی و جامعه شناسان درباره مشروعیت ارائه شده است. سیسرو این واژه را برای بیان «قانونی بودن» قدرت به کار می‌برد، در اروپای سده‌های میانه نیز، مشروعیت چنین معنایی داشته است (نقل از عالم، ۱۰۵). ابوالحمد (۲٤٤) مفهوم «برحق بودن» و «حقانیت» را مترادف مشروعیت دانسته است. از نظر وی، نظام سیاسی‌ای می‌تواند پایدار باشد که از پشتیبانی انبوه مردم و حکومت شوندگان بهره‌مند باشد و با مخالفت‌ها و اعتراض‌ها و دشواری‌های سخت روبرو نباشد. درباره مفهوم مشروعیت سیاسی، دو دیدگاه فلسفی و جامعه شناسانه، وجود دارد. فیلسوفان سیاسی معیارهای گوناگونی برای مشروعیت دولت‌ها عرضه کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به عدالت و فضیلت اشاره کرد. در این رویکرد، عدالت و فضیلت، عناصر ذاتی و درونی حکومت به شمار می‌روند (بشیریه، ٤۳)؛ اما از دیدگاه

1. Legitimacy

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2024-04-20]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.2.4]

جامعه شناسانه، هر جامعه‌ای نیازمند عقاید مشترکی است که به تنظیمات اجتماعی مشروعیت بخشد. وبر (۳۱۲-۳۱۳) نظریه‌پرداز مشروعیت سیاسی، مشروعیت حکومت‌ها را به سه طریق، ۱) مشروعیت سنتی ۲) مشروعیت کاریزمایی و ۳) مشروعیت عقلانی متجلی در قوانین عرفی، طرح و تبیین می‌کند. مشروعیت کاریزمایی متعلق به پیامبران، قهرمانان و رهبران فرزانه است و ریشه و جان‌مایه خود را از شخصیت‌های فرهمند دینی و عقاید و ارزش‌ها و احکام دیکته شده از سوی آن به دست می‌آورد. مشروعیت کاریزمایی می‌تواند در درک ماهیت و میزان مشروعیت برخی از حکومت‌های اسلامی، کاربرد مشخص‌تری داشته باشد (در خصوص رهیافت‌های دیگر درباره جایگاه و ماهیت مشروعیت نک: شجاعی زند، ۵۱؛ حجاریان، ۷۸-۹۳؛ رحمت الهی، ۱۶۰-۱۶۶؛ لاریجانی، ۱۰-۲۰؛ کاکایی، ۱۶۱-۱۶۲؛ روزبه، ۳۹؛ حاتمی، ۴۱-۶۷).

بیشتر مسلمانان درباره ضرورت تشکیل حکومت، هم‌نظرند، هر چند درباره ماهیت حکومت اختلاف دارند. شیعیان و اهل سنت، منبع ذاتی مشروعیت و اعتبار حکومت را از آن خداوند می‌دانند،[1] اما در پرتو ملاحظات تاریخی و کلامی خویش، درباره چگونگی تحقق حکومت، اختلاف دارند. در نزد اهل سنت، عوامل مشروعیت در پرتو فهم نظریه خلیفگی، سنت شورا، تصمیم‌گیری امنای قوم و نظریه استیلا، قابل‌فهم است. سه نظریه «اهل حل و عقد»، «استخلاف» و «شورا» توجیه‌کننده انعقاد خلافت برای خلفای اول تا سوم و نظریه «استیلا» بیانگر شیوه دستیابی معاویه به حکومت است (قادری، ۲۳-۲۶). ماوردی (۲۱-۳۲) راه‌های رسیدن به قدرت مشروع را در سه گونهٔ ولایتعهدی، اختیار و انتخاب توسط اهل حل و عقد و امارت استیلا دانسته است. اما شیعیان، قائل به نظریه امامت هستند که مبنای آن وصیت پیامبر- صلی الله علیه و آله-در غدیر خم، مبنی جانشینی علی-علیه السلام- است. به عقیده

۱. آیه ۱۸۹ سوره آل‌عمران به این امر اشاره دارد که یگانه محور ثابت و لایتغیر عالم وجود پروردگار عالمیان است که خالق کل موجودات است و مالک زمین و آسمان‌هاست (برای مطالعه بیشتر نک: اژه‌ای، ۵۱).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2024-04-20]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.2.4]

اهـل سـنت، خلیفـه تنهـا حـاکمی مـردم‌دار نیسـت بلکـه مقبولیـت وی در گـرو بیعت‌کنندگان است و تا زمانی که بیعت و استقرار بـر منصـب خلافـت صـورت نگیـرد، حکومت وی مشروع نیست. اما از نظر شیعیان، امام چه بـه قـدرت سیاسـی دسـت یابـد و چه از آن محروم شـود، مشـروعیت دارد و مـردم در انتخـاب امـام، دارای حـق اولیـه نیستند. ازاین‌رو، اقبال یا ادبار مردم به امام تنها در فعلیت یـا عـدم فعلیـت حکومـت وی مؤثر است (قادری، ۲۳-۲۶).

مشروعیت حکومت در اندیشه زیدیه

اندیشـه امامـت در نـزد زیدیـه، بـا آمـوزه سیاسـی شـیعیان امامیـه، همانـندی‌هـا و تفاوت‌هایی دارد. همانند امامیه، امـام زیـدیان، نسـب فـاطمی دارد. در سلسـله «امامـت» نیز تا امام چهارم یعنی امام سجاد-علیه السلام- امامان زیـدی و امـامی مشـترکند. زیدیـه بر عدالت امام تأکید بسیار دارنـد و امامیـه نیـز امامـت را از اصـول اعتقـادی بـه شـمار می‌آورند. مفهوم عدالت از نظر زیدیه، چندان روشن نیست امـا بعیـد بـه نظـر مـی‌رسـد که اساس طرح و توجیه عدالت نزد آنها، همانی باشد کـه امامیـه بـدان معتقـد اسـت. از نظر امامیه، عدالت امام از وجه باطنی و معرفت حقیقی وی بـه معـارف عمیـق‌تـر دینـی ناشی می‌شود و چون داعی، برای وجـه بـاطنی و حقـایق بنیـادی‌تـر در جـایی بایـد بـه محک صدق زده شود، از نص و انتخاب الهی و سـپس معرفـی از سـوی پیـامبر و امـام پیشین سخن به میان مـی‌آیـد. ایـن امـام از ویژگـی عصـمت هـم برخـوردار اسـت. در حالی‌که امام زیدی عادل است چون بـه کـار دیـن خبیـر اسـت، امـا ایـن آگـاهی تأییـد منصوص الهی را در پی ندارد (قادری، ۵۳).

رحمتی (۳۹) دیدگاه متفاوت زید بن علی در مسئله نص خفی در مقابـل نـص جلـی و اعتقاد او به وجوب قیام بالسیف را از مهم‌ترین موارد اخـتلاف‌برانگیـز میـان زیدیـه و امامیه می‌داند. امـام در نظرگـاه شـیعیان امامیـه از مشـروعیت برخـوردار اسـت هرچنـد قدرت ظاهری نداشته باشد و حتی آشکارا و به‌طور گسـترده مـردم را بـه‌سـوی خـویش

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2024-04-20]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.2.4]

دعوت نکند، اما «امامت» امام زیدی در گرو رفتار سیاسی وی برای کسب قدرت است. امام زیدی مردم را به خویش دعوت می‌کند و آماده است از دعوت خود از طریق قیام با شمشیر حمایت کند؛ بنابراین، مشروعیت امام زیدی به افعال سیاسی و نظامی او وابسته است؛ امام زیدی قائم بالسیف است این نوع «امامت» و نظریه پشتیبان آن را می‌توان با تسامح نقطه مقابل نظریه «استیلا» اهل سنت دانست. در نظریه «استیلا» غلبه، تعیین‌کننده است؛ درحالی‌که در نظریه زیدیه، غلبه و قیام با اسلحه برای حق صورت می‌گیرد و هدف مستقیم آن در اختیار گرفتن قدرت نیست. امام زیدی به‌شخصه از ویژگی‌های مثبت بسیاری چون عدالت و علم برخوردار است ولی فرد غالب در نظریه «استیلا» لزومی ندارد که به چنین صفاتی آراسته باشد. حکومت و کوشش برای به دست گرفتن قدرت، در نظریه زیدیان بر شایستگی فرد متکی و در جهت اعاده و حفظ خیر عمومی است، درحالی‌که در نظریه «استیلا» پذیرش حکومت غالب، به سبب نگرانی از هرج‌ومرج و آشفتگی کارها، در صورت نبود حکومت است. در این حالت، برقراری نظم و اداره جامعه، از خصایص حاکم و نحوه اداره عادلانه یا غیرعادلانه جامعه مهم‌تر است. با توجه به آموزه سیاسی زیدیه در باب «امامت» و حکومت می‌توان به‌راحتی نتیجه گرفت که زیدیه با امام مکتوم غایب موافق نیست. چراکه کارآمدی «امامت» در کارایی سیاسی ـ اجتماعی آشکار وی نهفته است (قادری، ۵۳-۵٤). از دیدگاه زیدیه هرگاه امامی از تبار حسن ﷺ و حسین ﷺ قیام کند، شمشیر برگیرد و بر مرکب نشیند و به کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ فرابخواند و امر به معروف و نهی از منکر کند، بر امت واجب است از او فرمان برند، در مقابل اگر کسی که در خانه نشسته و پرده‌نشین شده است دعوی امامت کند پیروی از او روا نیست و او را نتوان امام دانست (صابری، ۸۷؛ برای مطالعه بیشتر نک: حکیمیان، ۱۲۵-۱٤۸).

زمینه‌های اقتدار و مشروعیت حکومت‌های محلی در ایران

مشروعیت هر نظام سیاسی بستگی به پاسخ‌های متفاوتی دارد که از دیدگاه

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2024-04-20]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.2.4]

فلسفی، سیاسی و نظام ارزشی متفاوت، ارائه می‌شود. مسئله این است کـه اعضـای یـک نظام سیاسی معین، چگونه بر اساس معیار هنجارهـا و ارزش‌هـای خـود بـه مشـروعیت آن نظام می‌نگرند (کوزر، ١٥٤). بنـابراین، طبیعـی اسـت کـه عوامـل مشـروعیت بخـش حکومت‌های مختلف بـا متفـاوت باشـد. از ایـن حیـث اگـر حکومـت‌هـای مسـتقل یـا نیمه‌مستقل محلی در ایـران را از نظـر نـوع مناسـبات بـا خلافـت عباسـی بـه دو گونـه حکومت‌هایی که خلافت را به رسـمیت شـناختند و حکومـت‌هـایی کـه خلیفـه را زیـر سؤال بردنـد و علـم مخالفـت در برابـر دسـتگاه خلافـت برافراشـتند، تقسـیم کنـیم، بـا صرف‌نظر از زمینه‌های مشـروعیتی خـاص هـر حکومـت، عناصـر کارآمـد موجـد و یـا تثبیت‌کننده مشروعیت حکومت‌های محلـی در ایـران قـرون سـوم و چهـارم هجـری را می‌توان چنین برشمرد:

١- نسب و حسب

از عناصـر مشـروعیت بخـش حاکمـان ایرانـی منشـأ خـانوادگی و نسـب و حسـب دودمانی آن‌ها بود. برخی امیران و فرمانروایان، نسب خـود را بـه پادشـاهان ساسـانی یـا سرداران آنها می‌رساندند و همین نسب سازی می‌توانست راه را بـرای تثبیـت حکومـت یا اعمال حاکمیت ایشان هموار کند.

٢- وراثت و بهره‌گیری از مشروعیت خاندانی و قبیله‌ای

وراثت یکی از سنت‌های همیشـگی در تـاریخ بشـر و از جملـه ایـران اسـت کـه بـه نحوی دربارهٔ همه حکومت‌های محلی هم‌عصر علویـان طبرسـتان صـادق اسـت. میـزان مشروعیت بخشی این عامل به حدی است که در مـواردی در صـورت فقـدان جانشـین ذکور، (همانند اواخر عهد ساسانی یا عهد ایلخانان)، زنان نیز حق حاکمیت داشتند.

٣- بهره‌گیری از سنت ازدواج

ازدواج با دختران خاندان حـاکم یـا سـرداران (هماننـد ازدواج سـبکتگین غزنـوی بـا دختر الپتکین)، یکی از راه‌های کسب مشروعیت یـا تقویـت آن بـود کـه بـا هنجارهـای سیاسی و اجتماعی جامعه ایرانی همخوانی تمام داشت.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2024-04-20]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.2.4]

٤- همنوایی با مذهب و نحله‌های فکری غالب

جانب‌داری از مذهب غالب یا طریقت‌های صوفیه، عنصر دیگری برای کسب مشروعیت حکومت‌ها بود. بی‌گمان حاکمان محلی بر اهمیت و کارکرد نهاد مذهب در تحکیم قدرت واقف بودند.

٥- ایجاد امنیت و رعایت عدل و انصاف

عدل و امنیت ازجمله مهم‌ترین نمودهای اندیشه ایرانشهری است که اهتمام بدان از دو وجه نظری و عملی، در تأمین مشروعیت حکومت‌ها سهم جدی داشت. بی‌تردید در عصر تکوین حکومت‌های مستقل و نیمه‌مستقل ایرانی، برقراری امنیت و عدالت محوری، سهم بنیادینی در همواری مناسبات جامعه و حکومت و مشروعیت قدرت‌ها داشت.

٦- تأمین معیشت و رفاه مردم و اهتمام به رونق اقتصادی

فراهم کردن زمینه‌های رونق اقتصادی و گسترش رفاه و معیشت رعایا، به حکومت رسمیت می‌بخشد و میزان مشروعیت آن را بالا می‌برد.

٧- سنت استیلا

از عوامل دیگر مشروعیت غلبه و استیلا است. نظریه «استیلا» بر وضعی اضطراری دلالت دارد که برای مسلمانان ایجاد شده است؛ در چنین اوضاعی عموم فقهای و علمای اهل سنت «استیلا» را همچون یک واقعیت پذیرفته‌اند.

٨- دریافت منشور از خلیفه

از دیگر عناصر مشروعیت بخش حکومت‌های محلی گرفتن عهد و لوا از خلافت عباسی بود.

علویان طبرستان: زمینه‌های تاریخی کسب قدرت

اسلام از سده سوم هجری به بعد در طبرستان که مدت‌ها در برابر هجوم اعراب مقاومت کرده بود، گسترش یافت و این بی‌تأثیر از مهاجرت علویان به طبرستان نبود؛

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2024-04-20]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.2.4]

چراکه بسیاری از آنها برای فرار از ستم کارگزاران عباسی، روی بدان سامان نهادند. علویان با الگو قرار دادن حماسه‌های خونین پیشین، در برابر بیدادگری‌های خلافت عباسی ایستادگی و مجاهدت‌های بسیار کردند و سرانجام در جستجوی کانون‌های مبارزه که درعین حال دور از تعرض حکام باشد، به طبرستان که به اقتضای موقعیت خاص جغرافیایی و اقلیمی پناهگاه مبارزان به شمار می‌رفت، روی آوردند. پیروان یحیی بن عبدالله بن حسن بن حسن المجتبی علیه‌السلام، یحیی بن عمر بن یحیی بن حسین بن زید بن علی بن حسین بن علی علیهم‌السلام، گروهی از یاران و وابستگان به امام رضا علیه‌السلام که پس از شنیدن خبر شهادت او در ری ماندند و بعضاً به طبرستان رفتند و درنهایت گروهی از علویان که در زمان متوکل عازم این منطقه شدند، نمونه‌هایی از این علویان مهاجر به طبرستان هستند (مسعودی، ۳/ ۲۹۷؛ ابوالفرج اصفهانی، ٤٠٢).

نارضایی مردم طبرستان از خاندان ایرانی‌تبار طاهری که بر شرق ایران و قسمت‌هایی از طبرستان به تأیید خلفای عباسی حکومت داشتند و نیز جاذبه معنوی علویان، سبب تقویت هر چه بیشتر پایگاه اجتماعی علویان در این ناحیه شد. نفوذ علویان در این منطقه چنان فزونی یافت که بومیان طبرستان رو به‌سوی محمد بن ابراهیم علوی نهادند و گرد او جمع شدند. وی که به زهد و دانش شهره بود مردمان را به‌سوی داماد خویش حسن بن زید بن محمد بن اسماعیل بن حسن بن علی بن ابی‌طالب که در ری می‌زیست رهنمون شد. بدین سبب نمایندگانی از سوی مردم طبرستان برای دیدار و گفتگو با حسن بن زید بار سفر به ری بستند. حسن بن زید با آنها بر کتاب خداوند و سنت پیامبر و امر به معروف و نهی از منکر بیعت کرد (مرعشی، ۱۳۰). در اندک زمانی حسن بن زید که به داعی کبیر نامور شد، توانست بر مخالفان پیروز شود، به‌گونه‌ای که در سال ۲۵۰ هجری نخستین حکومت مستقل شیعی علوی، در آمل بنیان نهاده شد. حکومت علویان سبب شد تا بسیاری از سادات روانه طبرستان شوند و آنجا را زیستگاه خویش قرار دهند و نیان‌های اعتقادی مذهب تشیع را در طبرستان تقویت کنند. از سوی دیگر بنیاد علمی فقه و آرای شیعی با

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2024-04-20]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.2.4]

تألیفات حسن بن زید و همچنین پشتیبانی علویان از فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی مانند ساخت مدرسه و مسجد و کتابخانه قوی‌تر گشت. اخبار نهضت علویان، مستعین خلیفه عباسی را به تکاپو واداشت. وی در فرمانی محمد بن عبدالله بن طاهر را که بر خراسان حکم می‌راند، مأمور سرکوب علویان طبرستان کرد؛ اما محمد بن عبدالله ناکام شد. در سال ۲۸۷ هجری و به هنگامی‌که محمد بن زید بر علویان حکومت می‌کرد امیر اسماعیل سامانی به طبرستان حمله برد و بر آن مسلط شد و محمد بن زید را کشت (ابن خلدون، ۱۶۲-۱۷۰). سلطه سامانیان بر طبرستان سیزده سال به درازا کشید، اما حسن بن علی نامور به ناصر کبیر در سال ۳۰۱ هجری دگربار حکومت علویان را احیا کرد (ابن اثیر، ۱۳۵/۱۹ -۱۵۵؛ یحیایی، ۱۰۲). حسن بن علی اطروش علوی ملقّب به سید ناصر کبیر توانست از مرکز دیلم خود را در مازندران، که در سال‌های ۲۹۷ تا ۲۹۸ هجری از حملات روس‌ها در عذاب بود، مستقر سازد و در همین دیلم نیز، پس از مرگ محمد بن زید، مقیم شد (اشپولر، ۱۴۹/۱). حسن در جمادی الاخر ۳۰۱ هجری حکمران جستانی و همچنین حکمران سامانی را با شکستی در نزدیکی «نوروز» (کنار ساحل دریای خزر به فاصله یک روز راه از چالوس) از این منطقه براند و دوباره حکومت زیدی را مستقر کرد. وی به جهت ذوق شعر و دانش فقه خویش، ممتاز بود (همانجا).

عوامل اقتدار و مشروعیت حکومت علویان طبرستان

علویان طبرستان با آموزه‌های مذهبی خاص خود، در جهت مقبولیت حکومتشان در برابر حاکمیت عباسی و دیگر حکومت‌های موجود، علاوه بر زمینه‌های مشترک با دیگر حکومت‌ها، از عوامل مشروعیت بخش متفاوتی برخوردار بودند که از آن جمله می‌توان به این عوامل اشاره کرد:

۱- موقعیت استراتژیک و راهبردی طبرستان

بی‌تردید، هویت یک ملت و چگونگی پیدایش و بقای آن، موضوعی در قلمرو

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2024-04-20]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.2.4]

ژئوپلیتیک است. ازاین‌رو، احساس تعلّق به محیط جغرافیایی ویژه و نیاز به شناخته شدن با ویژگی‌ها و ارکان آن محیط جغرافیایی، در زمرهٔ مسائل هویتی یک سرزمین و منطقه قلمداد می‌شود (مجتهد زاده، ۵). طبرستان سرزمینی با موقعیت راهبردی بود. موقعیت کوهستانی و جنگلی، غنای اقتصادی، آب و اقلیم مناسب، هویت ویژه‌ای بدان می‌بخشید که در تحکیم پایه‌های اقتدار علویان سهم مؤثر داشت. از این حیث، موقعیت منحصر به فرد طبرستان از چند جهت در روند قدرت گیری، اقتدار و تداوم حکومت علویان، اهمیت داشت.

الف- موقعیت کوهستانی: کوه‌های بلند و صعب‌العبور منطقه، محیط امنی برای مخالفان دستگاه مرکزی خلافت، پدید آورده بود. به‌گونه‌ای که عربها پس از ۲۵۰ سال تسلط بر ایران، نتوانستند کاملاً بر این منطقه مسلط شوند. جبال قارن، جانب شرقی و جنوبی بحر خزر را پوشش می‌داد. به نوشته حافظ ابرو «غربی کوه طبرستان به موضعی است که طول آن هفتاد و شش درجه و عرض سی و شش درجه و شرقی آن به موضعی که طول آن هشتاد و هشت درجه است و عرض سی و پنج درجه؛ و کوهی است بزرگ میان طبرستان و ری پیوسته تا میان بسطام و دامغان و آن کوه را جبال قارن خوانند» (حافظ ابرو، ۱۹۳/۱). یعقوبی (۵۳) درباره این منطقه گوید: «طبرستان سرزمینی است دارای دژهای بسیار و با رودخانه‌های استوار و مردم آن اشراف عجم و شاهزادگانشان‌اند و خوشکلترین مردم هستند. گویند که خسرو یزدجرد کنیزان خود را آنجا گذاشت و از ناحیه همان کنیزها بود که مردم آن خوشکل شدند چه مردم طبرستان فرزندان همان کنیزانند و خراج این سرزمین چهار میلیون درهم است و آنجا فرش و پوشاک طبری ساخته می‌شود...طبرستان سرزمین مستقلی است که آن را مملکتی است باشکوه و پیوسته شاهش «سپهبد» نامیده می‌شود» (همان، ۵۲).

ب- موقعیت ویژه اقتصادی: ایجاد رونق و رفاه اقتصادی یا افزایش قدرت دولت، عامل مهمی در مشروعیت نظام سیاسی است (کوزر، ۱۵۷). طبرستان دارای موقعیت

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2024-04-20]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.2.4]

اقتصادی و تجاری مناسبی بود (*حدود العالم*، ١٤٤). این موقعیت ضمن اینکه طمع قدرت‌های بزرگ عصر را برای تسلط بر آن برمی‌انگیخت در دوام اقتدار علویان نیز سهم مؤثری داشت.

ج- وجود جنگل و درختان انبوه: جنگل از لحاظ نظامی جهت استتار و کمین و به لحاظ اقتصادی در تأمین چوب و محصولات غذایی و دامی جایگاه مناسبی دارد. در تاریخ طبرستان نقش جنگل و درختان انبوه در پیروزی طبری‌ها در طول تاریخ غیر قابل انکار است. مؤلف به نوشته قزوینی (٤٧٤) «مملکتی است معروف و به فارسی او را مازندران گویند. این ولایت واقع است میان ری و دامغان و بحر خزر. زمینش جنگلستان و آب بسیار دارد و هوایش بد است...». همین ویژگی خاص، موجب شد که در دوره خلافت عباسی، طبرستان به مهم‌ترین نقطه برای گریز از چنگال مأموران حکومت تبدیل شود. این ویژگی باعث می‌شد وقوع جنگ، لشکرکشی و تصرف آن از سوی لشکریان خلفا به سهولت امکان‌پذیر نباشد و علویان فرصت مناسبی برای پایه‌گذاری، تثبیت و تحکیم ارکان قدرت خود بیابند.

٢- انتساب به پیامبر و فرهمندی معنوی

امامان زیدی طبرستان، مدعی فرهمندی از سنخی که وبر مطرح کرده است، نبودند.[١] منتهی انتساب زیدیان به پیامبر ﷺ وجاهت خاصی به آنها می‌بخشید. انتساب علویان به پیامبر یکی از عوامل مشروعیت دولت آنها به شمار میرفت و وجاهت کاریزماتیک برای آنها به وجود آورده بود. این عامل که ادعایی مسبوق به سابقه بود و در نامه محمد بن عبدالله نفس زکیه به ابوجعفر منصور به‌صراحت بر آن تأکید شده است (آیینه وند و الهی زاده، ١-١٨)، مهم‌ترین عامل مقبولیت آنها به شمار می‌رفت و در دستیابی آنها به قدرت و دوام حکومت ایشان بسیار مؤثر بود. چنان‌که

١. کاریزما برای خصوصیت ویژه شخصیت یک فرد که به سبب همین ویژگی از افراد عادی جدا انگاشته می‌شود و به‌عنوان کسی که صاحب توانایی‌ها و خصوصیات فوق طبیعی و انسانی یا حداقل استثنایی است به کار می‌رود (وبر: ٤٥٤ – ٥٤٤؛ نیز نک: بشیریه، ٦١ – ٦٢؛ هیوز، ٢٥٧).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2024-04-20]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.2.4]

به گزارش ابن اسفندیار (۲٤۸/۱) «تا مردم دارفـو و لپـرا از ظلـم و نـاجوانمردی محمـد بـن اوس سـتوه شـدند و بهـر وقـت سـاداتی را کـه بـه نـواحی ایشـان نشسـته بودنـد می‌دیدند و زهد و ورع ایشان را اعتقاد کردند، گفتنـد آنچـه سـیرت مسـلمانی اسـت بـا سادات است، اهل دیگر رستاق‌ها را که بدیشان متصل بودنـد یـار گرفتنـد پـیش محمـد بـن ابـراهیم بـن علـی بـن عبـدالرحمن بـن القسـم بـن الحسـن بـن زیـد بـن الحسـن امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام شد و او در قصبه رویان بود از او درخواست کردند کـه مـا بـر تـو بیعت کنیم مگر ببرکات تو این ظلم خدای از مـا بـردارد». مرعشـی (۱۲۸-۱۳۰) نیـز در شرح چگونگی قدرت یابی علویان بر انتساب ایشان به پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله تأکید ویژه دارد.

۳-ظلم‌ستیزی و باور به عدالت ورزی

از دیگر عناصر مشروعیت بخـش حکومـت علویـان طبرسـتان ادعـای آنهـا مبنـی بـر ظلم‌ستیزی و عدالت ورزی و برپایی حکومت عادلانه بود. اصـل عـدالت در کنـار اصـل توحید یکـی از دو اصـل بنیـادین اندیشـه زیـدی بـه شـمار مـی‌رود (صـابری، ۸۲). بـا واکاوی منابع مرتبط با علویـان طبرسـتان مـی‌تـوان بـه شـواهدی در ایـن زمینـه دسـت یافت. هنگامی‌که محمد بن اوس امیری کـه از جانـب طاهریـان بـر طبرسـتان حکومـت می‌کرد، روستاییان را با مالیات و خراج زیاد زیر فشـار گذاشـت، مـردم بـه سـادات پنـاه بردنـد و نـزد آنهـا تظلـم طلبیدنـد: «چـون ظلـم محمـد بـن اوس در طبرسـتان از حـدّ گذشت، مردم پناه به عدل سادات می‌جستند و بر ایشان بیعـت مـی‌کردنـد... چـون ظلـم محمد اوس در رویـان بغایـت رسـیده بـود، مـردم آن دیـار دسـت تظلّـم بـرآورده نـزد سادات می‌رفتند و فریاد می‌کردنـد، کـه مـا را از دسـت ایـن ظـالم خـلاص کنیـد... مـا می‌خواهیم که سید عالی را از آل محمد بر خود حاکم گردانیم تا در بـین مـا بـه عـدالت سلوک نمایـد...» (مرعشـی، ۱۳۰- ۱۲۸). طبـری (٦۱۳٥/۱٤-٦۱۳۷) بـه تفصـیل دربـاره این موضوع سخن گفته است. ابن خلـدون (۱٦۲) دربـاره اطـروش گویـد: «و از ایشـان بود اطروش که دیلم بر دست او اسلام آورد. او حسن بن علـی بـن الحسـن- بـن علـی بن عمر [بن الحسین] مردی فاضل بود و نیک‌روش و دادگـر». ابـن اثیـر (۱۳۸/۱۹) نیـز

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2024-04-20]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.2.4]

دربارهٔ دادگری و عدالت حسن بن علی گوید: «حسن بن علی نیک‌رفتار و دادگر و مهربان و حق‌پرست بود».

٤-مشروعیت دینی

بی‌تردید موجودیت سیاسی و بخش مهمی از عوامل مشروعیت بخش حکومت علویان، مرهون اسلام‌خواهی و پایگاه اعتقادی و دینی ایشان بود. با صرف نظر از انتساب به پیامبر و سیادت ایشان، تلاش برای برقراری حکومتی مبتنی بر دین و در لوای امامت و شریعت، در ماهیت قدرت علویان سهم مؤثری داشت. مشروعیت بر تعهد، دل‌سپردگی و پذیرش مبتنی است که در ورای توانایی‌های تن و ذهن، حکم روایی می‌کند؛ به واسطه همین ویژگی‌هاست که انسان به منبع و معیار خرد متوسّل می‌شود و درمی‌یابد که برای کدام هدف زندگی باید وفاداری کند. آنچه فراتر از خرد و زور در ذهن انسان حکم روایی می‌کند و تعهد انسان‌ها را برمی‌انگیزاند «دین» است؛ بنابراین، دین مبنای مشروعیت قرار می‌گیرد و بخش عظیم تاریخ جوامع بشری گویای این واقعیت است. برخی بر این باورند که در بیشتر فرهنگ‌ها و در بخش اعظم تاریخ انسانی، میان دین به مثابه عامل تأمین و تضمین مشروعیت و سیاست به عنوان نگهبان اقتدار دنیوی، ارتباط مشخص وجود داشته است (نک: فصیحی، ١١٥). داعیان علوی توجه ویژه‌ای به رعایت مراتب شریعت اسلامی بویژه امور حسبیه و امر به معروف و نهی از منکر داشتند. نهاد حسبه یکی از تشکیلات اداری، مذهبی مسلمانان در دوره خلافت اسلامی بود که وظیفه آن نظارت بر اداره امور شهری و رفتار شهروندان بر پایه احکام دینی و عرفی جامعه اسلامی بود. سازمان حسبه پیش از آن‌که هویتی اداری داشته باشد، سازمانی دینی بود و بنا بر دیدگاه اندیشمندان مسلمان نزدیک‌ترین پیوند را با فریضه امر به معروف و نهی از منکر داشت. این نکته در اولین رساله‌هایی که در شرق و غرب عالم اسلامی درباره حسبه به نگارش درآمده و اکنون در دسترس است نمایان است. کتاب «*الاحتساب*» حسن اطروش (م ٣٠٤ هـ ق) حاکم علوی و زیدی مسلک طبرستان و نیز «*احکام*

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2024-04-20]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.2.4]

السوق» یحیی بن عمر اندلسی (م ۲۸۹ هـ ق) بهترین گواه این مدعاست (بادکوبه هزاوه، ۱۲٦).

۵- دعوت مردمی و وجاهت اجتماعی

از دیگر عوامل مشروعیت دولت علویان منزلت و وجاهت اجتماعی آنهاست. القابی همچون داعی کبیر، ناصر کبیر و داعی صغیر دلالت بر جایگاه والا و مکانت رفیع آنها در میان مردم دارد و اقتدار امام را القا می‌کند. به علاوه فعالیت‌های سازمان‌یافته مذهبی و توجه به اقدامات اجتماعی و فرهنگی نیز بر منزلت آنها می‌افزود. چنان‌که حسن بن علی (ناصر کبیر) اولین کسی بود که در منطقه آمل مدرسه‌ای برای آموزش علوم دینی و غیر دینی بنیاد نهاد و در کنار آن کتابخانه‌ای بنا کرد و موقوفات زیادی برای آن قرار داد. همچنان که اقدامات شایسته‌ای نیز برای بازسازی و توسعه آرامگاه امامان شیعه بویژه علی علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام به عمل آورد. وی خود در شمار فقیهان، محدثان و متکلمان زیدی بود. به نوشته ابن اثیر (۱۹۱۳۵-۱۵۵) «اطروش بر طبرستان غلبه یافت و صعلوک به شهر «ری» پناه برد و آن در سنه سیصد و یک بود و از ری به بغداد رفت. دیلمیان که از سفیدرود تا آمل سکنی داشتند به واسطه او اسلام آوردند. مذهب اطروش زیدی و خود اطروش ادیب و شاعر و دانشمند و ظریف و امام شیعه و علامه و در فقه و دین عالم و نادره گو بود». گزارش مسعودی (٦۹۱/۲) نیز از مقام و منزلت والای اطروش در میان دیلمیان حکایت دارد وی گوید: «بسال سیصد و یکم نیز اطروش حسن بن علی در ولایت طبرستان و دیلم قیام کرد و سیاه‌پوشان را ازآنجا برون‌راند. وی مردی فهیم و عالم بود و از عقاید و مذاهب مطلع بود و مهروموم‌ها میان مردم دیلم که کافر و بر دین مجوس و بعضی پیرو رسوم جاهلیت بودند و همچنین مردم گیل که مسلمانان در قبال آنان دربندهایی چون قزوین و غیره داشتند اقامت داشت و آن‌ها را سوی خدا عزوجل خواند که پذیرفتند و اسلام آوردند و در دیلم مسجدها بساخت». منابع تاریخی از پاک‌سیرتی، رفتارهای عامه‌پسند و خدمات اجتماعی حسن بن قاسم

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2024-04-20]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.2.4]

(داعی صغیر) نیز سخن گفته‌اند. به گفته مرعشی و ابن اسفندیار، این فرمانروای علوی افزون بر تدریس و قضاوت، شخصاً خواسته‌های ستمدیدگان را رسیدگی می‌کرد و زمانی را برای تجلیل از دانشمندان و فرهیختگان و رسیدگی به بیماران و زندانیان اختصاص می‌داد و اقدامات درخوری نیز برای بهبود وضع محرومان جامعه انجام می‌داد. «داعی به آمل به عدل و علم و ترفیه خلایق مشغول بود و اند پاره مدرسه و خانقاه فرموده و روزهای ایام سبع قسمت کرده بر مصالح دین و دنیا یک روز به مناظره و علم و فقه و نظر بنشستی و یک روز به احکام و مظالم و یک روز تدبیر ملک و اقطاعات و روز آدینه عرض محبوسان و قضا اهل جرائم و البته حوالت هیچ مهم از مهمات شرعی و دیوانی به کسی نکردی و همه به نظر و رأی خویش فرمودی و اهل علم و بیوتات را در احترام و توفیر مبالغت لازم دانستی و از هیچ هنرمند که ارباب املاک بودند خراج نفرمودی گرفت و از عرب و عجم بلغا و شعرا و متکلم و مذکر و فقیه به حضرت او جمع بودندی و در حق همه احسان و مروت فرمودی و هیچ‌کس نگذاشتی که بر ضعیف به اندک و بسیار تسلط کند و در عهد او آمل آسوده بود (ابن اسفندیار، ۳۰۹/۱؛ نیز نک: مرعشی، ۱۵۱؛ طبری، ۱٤/ ٦۱۳۷-٦۱۳۵).

بحران مشروعیت و تزلزل در پایه‌های اقتدار علویان

اوضاع آشفته و نابسامانی که در اواخر دوره علویان بر جامعه طبرستان حاکم شد پایه‌های اقتدار آنها را سخت متزلزل ساخت و مشروعیت آنها را با بحرانی عظیم روبرو کرد. این آشفتگی ناشی از چندین عامل بود. بزرگ‌ترین عامل اختلافات و کشمکش های داخلی داعیان بر سر جانشینی بود. نزاع بر سر قدرت از وجاهت اجتماعی آنها به‌شدت کاست و طرفداران و هواداران آنها را پراکنده ساخت. از دیگر عوامل آشفتگی نارضایی هواداران از داعیان به سبب ظلم و ستمی بود که درگرفتن مالیات روا می‌داشتند. این ستمگری‌ها، خصیصه مشروعیت بخش دولت علویان طبرستان را که همان عدالت و دادگری است، دچار خدشه و زوال کرد. گفته شد که

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2024-04-20]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.2.4]

از عناصر مشروعیت بخش علویان، شخصیت کاریزماتیک داعیان بود. رهبر کاریزمایی اغلب به‌طور کاملاً آگاهانه از ثروت نقدی و درآمد پولی ابراز انزجار می‌کند. (وبر، ٤٩٢). برای اینکه گروه کاریزمایی و مریدان و پیروان وی از عهده رسالت خویش برآیند باید فراغ از قیود این دنیا و مبرا از اشتغالات روزمره و مسئولیت‌های خانوادگی باشند (همان، ٤٩٣). نزاع نوادگان علوی بر سر دستیابی به قدرت دنیوی و ظلم و ستم به مردم با گرفتن مالیات‌های سنگین، از وجاهت آن‌ها کاست، به گونه‌ای‌که پیروان زیدی از بیعت با آنها صرف نظر کردند. ابن اسفندیار به چند مورد از ظلم و ستم داعیان اشاره دارد: چون ابوالقاسم جعفر (فرزند ناصر کبیر) به آمل رسید حسن بن قاسم الداعی به گیلان شد در سنه ست ثلثمائه ابوالقاسم جعفر بن الناصرالکبیر می‌گوید مدت هفت ماه تا جمادی‌الآخر سنه سبع و ثلثمائه به آمل می‌بود خراج‌ها باستقصاء و ظلم بستد و قسمت‌ها طلبید مردم به عهد او برنج آمدند (ابن اسفندیار، ٢٩٨/١). همچنین ابن اسفندیار (٣١٢/١) درباره بیدادگری وزیر ابوجعفر گوید: «با ابوجعفر بیعت کردند و ابوالحسن بن ابی یوسف را به وزارت بنشاندند و او با مردم آمل نیکو اعتقاد نبود، اسفاهی را تیمار نداشت و بر رعایا حیف و ظلم می‌کرد تا روزی عامه شهر غوغا کردند و بسیاری از هر دو جانب کشته آمدند و قائد آن فتنه کشته شد و ابوالحسن بن ابی یوسف مدتی صبر فرمود و هیچ پدید نیاورد تا بعد مرور ایام روز آدینه که خلایق به جامعه شدند به جمله دروازه‌ها لشکر فرو داشت با سلاح‌های تمام تا هر که بیرون می‌آمد از جامع می‌کشتند». او به درگیری‌های جانشینی بعد از مرگ ناصر کبیر اشاره کرده و از توطئه آنها علیه یکدیگر سخن گفته است (همان، ١/ ٢٩٧).

نتیجه‌گیری

دولت شیعی‌مذهب علویان طبرستان اقتدار دینی دستگاه خلافت را نفی می‌کرد و برخلاف دولت‌های هم‌عصر خویش همچون طاهریان، سامانیان و غزنویان به حجیت «عهد و لوا» که خلفا به حکام و سلاطین عطا می‌کردند، اعتنایی نداشت. داعیان

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2024-04-20]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.2.4]

علوی نه تنها طالب دریافت عهد و لوای خلیفه نبودند کـه مشـروعیت خلافـت عباسـیان را نیز نمی‌پذیرفتند. اندیشـه سیاسـی و مشـروعیت قـدرت در نـزد شـیعه زیدیـه حـول محور امام عادل قائم به سیف از اهل بیـت نبـوی مـی‌چرخیـد. مهـم‌تـرین وظیفـه امـام، حفظ جماعت، گسترش آن و جهـاد بـا کفّـار بـود. زیـدیان طبرسـتان بـر اسـاس همـین اندیشه پایه‌های حکومت خود را مستحکم کردند و عوامل اقتدار و مشـروعیت آنهـا بـر همین اساس استوار بود. انتساب علویان بـه خانـدان نبـوت، ادعـای عـدالت محـوری و دادگسـتری، ادعـای حمایـت از محرومـان و مظلومـان در برابـر سـتمگران و جبـارین و قیام بالسیف در جهت برقراری عدالت، از عوامل مشروعیت بخش حکومت آنها بود.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.2.4]

منابع

ـ ابن اسفندیار کاتب، بهاءالدین محمد بن حسن، *تاریخ طبرستان*، چاپ عباس اقبال، تهران: اساطیر، ۱۳۸۹.

ـ ابن خلدون، عبدالرحمن، *العبر و دیوان المبتدا و الخبر فی ایام العرب و العجم و البربر*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳٦۳.

ـ ابن‌اثیر، علی‌بن‌محمد، *الکامل فی التاریخ*، ترجمهٔ ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: مؤسسهٔ مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱.

ـ ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*،چاپ سید احمد صقر، بیروت: دارالمعرفه، بی‌تا.

ـ ابوالحمد، عبدالحمید، *مبانی علم سیاست*، تهران: توس، ۱۳۷٦.

ـ ابوالفرج، علی بن الحسین اصفهانی، *فرزندان آل ابی‌طالب*، ترجمه جواد فاضل، تهران: کتاب‌فروشی علی‌اکبر علمی، ۱۳۳۹.

ـ اژه‌ای، مهدی، *مشروعیت دولت در نظام اسلامی*، اصفهان: آرما، ۱۳۹۲.

ـ اشپولر، بارتولد، *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه جواد فلاطوری و مریم میراحمدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی،۱۳۷۳.

ـ –قزوینی، محمد بن محمود، *آثار العباد و اخبار العباد*، چاپ میر هاشم محدث، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۳.

ـ آیینه وند، صادق، الهی زاده، محمدحسن، «معیار مشروعیت خلافت در چالش حسنیان (فرزندان عبدالله محض) با دولت عباسی»، *فصلنامه پژوهشی علوم انسانی الزهرا*، س ۱۵، ۱۳۸٤.

ـ بادکوبه هزاوه، «اولین نشانه‌های نهاد حسبه در سرزمین‌های اسلامی»، *فصلنامه تاریخ اسلام*، ش ۷، ۱۳۸۰.

ـ بشیریه، حسین، *آموزش دانش سیاسی*، تهران: نشر نگاه معاصر، ۱۳۸۲.

ـ جاوید، محمدجواد، *مشروعیت قدرت و مقبولیت در قرآن*، تهران: میزان، ۱۳۸۸.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.2.4]

ـ حاتمی محمدرضا، «بررسی و نقد مبانی مشروعیت حکومت از دیدگاه اهل سنت»، *فصلنامه دانشنامه*، س ۳، ش ۱، ۱۳۸۹.
ـ حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله، جغرافیا، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۷۵.
ـ حجاریان،سعید، «نگاهی به مسئله مشروعیت»، *راهبرد*، ش ۳، ۱۳۷۳.
حدود العالم من المشرق ال ی المغرب، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳٤۰.
ـ حکیمیان، ابوالفتح، *علویان طبرستان*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳٤۸.
ـ رحمت الهی،حسین، «مشروعیت حکومت از دیدگاه اسلام و ماکس وبر»، *حقوق خصوصی*، ش ۵، ۱۳۸۲.
ـ روزبه، محمدحسن، *مبانی مشروعیت در نظام سیاسی اسلام*، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۵.
ـ شجاعی زند، علیرضا، *مشروعیت دینی دولت و اقتدار سیاسی دین*، تهران: تبیان، ۱۳۷٦.
ـ صابری، دکتر حسین، تاریخ فرق اسلامی، تهران: سمت، ۱۳۸۳.
ـ طبری، محمد بن جریر، *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر، ۱۳۷۵.
ـ عالم، عبدالرحمن، *بنیادهای علم سیاست*، تهران: نشر نی، ۱۳۷۳.
ـ فصیحی امان‌الله، (۱۳۸٦)، «دین و کارکرد سیاسی آن در جوامع سنتی و نوین»، معرفت، س ۱٦، ش ۵، ص: ۱۱۱-۱۲۸.
ـ قادری، حاتم، *اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران*، تهران: سمت، ۱۳۸۰.
ـ کاکایی مستانه، «مشروعیت در حکومت اسلامی»، *مجلس و راهبرد*، ش ٦۲، ۱۳۸۸.
ـ کوزر، لوئیس آلفرد، برنارد روزنبرگ، *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی*، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی، ۱۳۷۸.
ـ – لاریجانی، محمد صادق، «مبانی مشروعیت حکومت‌ها»، *الهیات و حقوق*، س ۲٤،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2024-04-20]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.2.4]

ش ۳، ۱۳۸۱.
ـ ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد، *الاحکام السلطانیه*، (نسخه الکترونیکی)، قاهره: دار الحدیث، بی‌تا.
ـ مجتهدزاده، پیروز، «دموکراسی و هویت ایرانی بحثی در جغرافیای سیاسی ایران و ایرانشناسی»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش۲۲۱-۲۲۲، ۱۳۸٤.
ـ مرعشی، سید ظهیرالدین بن سید نصیرالدین، *تاریخ طبرستان و رویان و مازندران*، چاپ محمدحسین تسبیحی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی شرق، ۱۳٤٥.
ـ هیوز، هنری استوارت، *آگاهی و جامعه*، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱.
ـ یحیایی علی، «تأثیر اوضاع سرزمین دیلم و علویان طبرستان بر ظهور آل‌بویه»، *تاریخ و فرهنگ*، ش ۸٤، ۱۳۸۹.
ـ یعقوبی، احمدبن‌ابی‌یعقوب، *البلدان*، ترجمهٔ محمدابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳٤۲.
ـ مسعودی، علی‌بن‌الحسین، مروج‌الذهب و معادن‌الجوهر، ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷٤.
ـ وبر، ماکس، *اقتصاد و جامعه*، ترجمه عباس منوچهری، مهرداد ترابی نژاد، مصطفی عماد زاده، تهران: سمت، ۱۳۹۳.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2024-04-20]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.23.2.4]